

بررسی شفاعت از دیدگاه اسلام و وهابیت^۱

چکیده

شفاعت به آن نظر خاص و دعایی گفته می شود که از طریق اشخاص و اولیای خاص به کار گرفته شود. این مسئله از مهم ترین مسائل قیامت محسوب شده که برای تایید آن هم بسیاری از آیات قرآن و هم روایات و سخن معصومین (علیه السلام) وارد شده است. زیرا اگر شخصی در مرحله ای از زندگی و امور عبادی به خطا رفته و قصد بازگشت دارد، نا امید نشده و با شفاعت ائمه در محضر پروردگارش روسفید باشد. در نتیجه قرآن کریم اولیاء و انبیاء را شفیع معرفی کرده است. شفاعت فلسفه و حقیقت خاص خود را دارد که باید آن را به طور صحیح شناخت تا دچار شبهه و تردید نشده باشیم. بر این اساس ماهیت این پژوهش با روش نقلی – وحيانی است با کمک منابع کتابخانه ای به توصیف مسئله شفاعت در دین اسلام و وهابیت می پردازد. به این منظور تحت عنوان مفهوم شناسی شفاعت، آیات و روایات مختص به شفاعت، فلسفه و حقیقت شفاعت و بیان شبهات و پاسخ به آن در این حیطه بررسی می گردد.

کلید واژه: اولیاء، شفیع، شفاعت، واسطه.

^۱ - جمیل دهقانی، حوزه علمیه معصومیه

مقصود از شفاعت واسطه شدن یک مخلوق میان خدا و دیگر مخلوقات برای رساندن خیر یا دفع شر در دنیا و آخرت است که البته فقط با اجازه خداوند این مسئله اتفاق می افتد. پیشینه، مسئله شفافیت و شفیع شدن برای بندگان از سوی خداوند قرار داده شده و با راضی بودن از بندگان و وجود شرایط و ضوابط ائمه معصومین (علیه السلام) شفیع هستند و در زبان اسلام این مسئله بروز پیدا کرد. زیرا از ضروریات اعتقاد شیعه است.

بنابراین برای هضم بهتر مسئله شفاعت و شناخت آن در تمامی ادیان و سلوک باید ابتدا فلسفه و حقیقت شفاعت را شناخته و با شرایط و حدود آن آشنا شده به گونه ای که بتوان واقعیت شفاعت را از شبهه و شک در این حیطه تمییز داد. هم چنین بصیرت لازم را به دست آورد تا بتوان پاسخ صحیح شبهات در زمینه شفاعت را بیان کرد.

۱- مفهوم شناسی

شفاعت در لغت از ماده «شفع» است. به معنای جفت شده با چیزی و پیوستن و ضمیمه شدن چیزی است به همانند خود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۷)

در اصطلاح به معنای حائل شدن برای رفع ضرر از کسی و یا رساندن منفعتی به او است. در واقع شناخت صورت عینی و ملکوتی روابط معنوی در این جهان معنا می کند. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۵۲) (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۶)

این است که در روز قیامت اولیای الهی در حق گروهی از گناه کاران شفاعت کرده و آنان را از عقاب جهنم نجات می دهند. (رضوانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۴۲)

۲- شفاعت در قرآن

اعتقاد ما در باب شفاعت این است که آن حق است و شفاعت برای کسی است که خدا دینش را پسندیده باشد از صاحبان گناهان کبیره و صغیره، و اما توبه داران از گناهان محتاج به شفاعت نیستند.

خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ... () ... يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا؛ روزی که در صور دمیده شود ... () ... در آن روز شفاعت هیچ کس سودی نبخشد مگر کسی که خدای رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است». (طه، آیه ۱۰۲-۱۰۹)

در جایی دیگر می فرماید: «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا؛ آنان هرگز حق شفاعت ندارند، مگر کسی که نزد خدای رحمان عهد و پیمانی دارد». (مریم، آیه ۸۷)

در آیه ای از قرآن آمده: «... عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً؛ ... امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش [مقام شفاعت] برانگیزد». (اسراء، آیه ۷۹)

در جایی دیگر خداوند می فرماید: «... لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَ هُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ؛ ... آنان [بندگان شایسته] جز برای کسی که خدا راضی است شفاعت نمی کنند. آنان از ترس خدا بیمناکند». (انبیاء، آیه ۲۸)

در آیه ای از قرآن آمده است: «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا وَ غَرَّتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا ... () ... () ... يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسَوْهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا ...؛ آنان که دین خود را بیهودگی و بازیچه گرفتند؛ و زندگانی دنیا مغرورشان ساخت؛ امروز [قیامت] فراموششان می کنیم، همان گونه که دیدار این روزشان را فراموش کردند ... () ... () ... روزی که حقیقت امر فرا رسد، کسانی که در گذشته آن را فراموش کرده بودند می گویند: راستی را که رسولان پروردگار ما حق را آوردند؛ آیا شفیعانی برای ما وجود دارد که شفاعتمان کنند؟». (اعراف، آیه ۵۱-۵۳)

۲-۱- تفسیر آیات

روزی که در صور دمیده شود شفاعت هیچ کس کارساز نیست مگر شفاعت بندگان صالح خدا که اجازه شان داده و از گفتارشان راضی است.

هیچ کس مالک شفاعت نیست مگر کسانی که نزد خدای رحمان عهد و پیمان دارند، یعنی انبیا و اوصیا و بندگان شایسته خدا که با ایشانند.

شفاعت، همان مقام محمودی است که خداوند به خاتم انبیا (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) وعده داده است، و انبیا (علیهم السّلام) تنها از کسانی شفاعت می کنند که خداوند از شفاعت برای آنان راضی باشد؛ و در همین روز است که مغروران و کسانی که زندگانی دنیا فریبشان داده درحالی که هیچ شفاعت کننده ای ندارند، می گویند: آیا برای ما شفیعانی هست که شفاعتمان کند؟. (عسکری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۳۲)

۲-۲-۲- فلسفه شفاعت

شفاعت، بسان توبه، روزنه امیدی است برای کسانی که می‌توانند در نیمه راه ضلالت و معصیت، گناهان خویش را ترک کنند و از آن پس، باقیمانده عمر خود را در طاعت خدا سپری نمایند؛ زیرا انسان گناهکار هرگاه احساس کند که در شرایط محدودی (نه در هر شرایطی) می‌تواند به شفاعت شفیع، نایل گردد، سعی می‌کند که این حد را حفظ نماید و گام فراتر نهد. (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۵۵)

۲-۳- حقیقت درخواست شفاعت

شفاعت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر شافعان راستین در روز جزا، جز طلب مغفرت از خدا درباره گناهکاران امت چیز دیگری نیست، در این صورت، طلب شفاعت، در واقع طلب دعا از آنان خواهد بود و دعای آنان، در سایه قرب و مقامی که نزد خدا دارند، به هدف اجابت می‌رسد و طبعاً گناهکار مشمول مغفرت خدا می‌گردد. از طرفی، درخواست دعا از برادر مؤمن و فراتر از آن، از نبی گرامی کوچک‌ترین اشکالی ندارد، اگر ما می‌گوییم: «یا وجیهاً عند الله، اشفع لنا عند الله»، یعنی ای کسی که در پیشگاه خدا جاه و مقامی داری، در نزد خدا درباره ما شفاعت کن (دعا کن خدا گناه ما را ببخشد یا حاجت ما را برآورده کند). (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۴)

۳- شرائط شفاعت

در آیات قرآن شرائط مختلفی درباره شفاعت ذکر شده که از همه مهمتر اذن و اجازه پروردگار بود، مسلماً کسی که امید و انتظار شفاعت دارد، باید این اذن و اجازه را به نحوی فراهم سازد، یعنی کاری انجام دهد که محبوب و مطلوب خدا است.

در بعضی از آیات آمده است که در قیامت شفاعت تنها برای کسانی مفید خواهد بود که خداوند رحمان اجازه برای شفاعت او داده و از گفتار او راضی است. (طه، آیه ۱۰)

مقصود از جمله **لِلّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً** این نیست که خدا شفاعت می‌کند و بس و دیگری حق شفاعت کردن ندارد. زیرا شکی نیست که خدا هیچ گاه درباره کسی نزد کسی شفاعت نمی‌کند.

بلکه مقصود این است که خداوند مالک اصل شفاعت است نه بتها زیرا آن کس مالک شفاعت می‌شود که از عقل و درک و مالکیت چیزی برخوردار باشد و بت‌های مورد پرستش آنان فاقد هر دو شرطند چنان که می‌فرماید: «قُلْ أَوْ لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئاً....»

بنابراین، محور بحث آیه این است که خداوند مالک شفاعت است نه بتها، و در هر کس قابلیت و شایستگی دید به او اذن می‌دهد تا درباره افراد شفاعت کند، نه بتها، در این صورت این آیه، ارتباطی به محل بحث ما ندارد زیرا مسلمانان فقط خدا را «مالک شفاعت» می‌دانند نه اولیاء را و معتقدند که او به هر کس اذن می‌دهد، او فقط می‌تواند شفاعت کند، نه هر کس و نیز معتقدند به حکم آیات و روایات خدا، به پیامبر اذن داده است که شفاعت کند، از این جهت از او به عنوان یک فرد مأذون (نه مالک شفاعت) درخواست شفاعت می‌نمایند در این صورت سخن چه ارتباطی به مفاد آیه دارد. (سبحانی، ۱۳۶۴، ص ۲۸۰-۲۸۱)

۴-۱-۲- شفاعت نوعی واسطه‌گری

طبق نظر برخی شفاعت نوعی پارتی بازی و واسطه‌گری است که موجب ضایع شدن حقّ عده‌ای، و سبب لوٲ شدن قانون است.

پاسخ:

شفاعت، کمک اولیای الهی به افرادی است که در عین گنه‌کار بودن، پیوند ایمانی و معنوی خویش را با خداوند و اولیای الهی نگسسته‌اند. شفاعت واقعی برای کسانی است که نیروی جهش به سوی کمال و پاکی در روح و روان آنان باشد. و نورانیت شافعان، وجود تاریک کسانی را که از هیچ‌گونه ویژگی مثبتی برخوردار نیستند، روشن نخواهد کرد.

بنابراین، شفاعت‌های رایج میان مردم (پارتی‌بازی) با شفاعت در منطق اسلام، تفاوت‌های زیاد دارد، از آن جمله:

الف) در واسطه‌گری‌های دنیوی فرد گنه‌کار، شفیع را برمی‌انگیزاند تا با سرپرست فلان بخش تماس بگیرد به دلیل نفوذی که در دستگاه او دارد، وی را وادار کند از تقصیر گنه‌کار درگذرد و از اجرای قانون در حق او چشم‌پوشد. در شفاعت اسلامی، کار دست خدا است و اوست که شفیع را بر می‌انگیزاند. خداوند به دلیل کمال و جایگاه شفیع، به او حق شفاعت می‌بخشد و رحمت و بخشایش خود را از گذرگاه وی، شامل حال بندگان می‌سازد.

ب) در شفاعت، شفیع از مقام ربوبی تأثیر می‌پذیرد، ولی در واسطه‌گری‌های باطل، قدرت برتر سخنان شفیع است و اوست که به خواسته‌های خلاف‌کار، تن در می‌دهد. به دیگر سخن، در شفاعت‌های عرفی و دنیوی، شفاعت‌کننده، مولا و حاکم را بر خلاف اراده، به انجام کاری وادار می‌کند، ولی در شفاعت الهی، در علم و اراده خداوند هیچ‌گونه دگرگونی پدید نمی‌آید، بلکه تنها مراد و خواسته دگرگون می‌شود ...

ج) جوهر اصلی شفاعت‌های دنیوی، تبعیض در قانون است. بدین ترتیب که نفوذ شفیع بر اراده قانون‌گذار یا مجریان قانون چیره می‌شود و قدرت قانون تنها در برخورد با ناتوانان، نمود می‌یابد. این درحالی است که در شفاعت اخروی هیچ‌کس قدرت خود را بر خدا تحمیل نمی‌کند و نمی‌تواند از اجرای قانون، جلوگیری کند. در حقیقت شفاعت، رحمت گسترده و بخشایش بی‌پایان خدای مهربان است که به وسیله آن، کسانی را که شایسته‌اند، پاک می‌کند. به همین دلیل گروهی که از شفاعت محروم شده‌اند، سزاوار برخورداری از بخشایش رحمت گسترده الهی نیستند. و اگر نه در قانون خدا تبعیض وجود ندارد. (رضوانی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۶-۳۵۷)

در نظر عده‌ای، اعتقاد به شفاعت موجب جرأت بر گناه در افراد شده و روح سرکشی را در گناه‌کاران و مجرمان زنده می‌کند، لذا اعتقاد به آن، با روح شریعت اسلامی و سایر شرایع سازگاری ندارد!

پاسخ:

الف) اگر چنین باشد، «توبه» که بخشایش گناهان را در پی دارد، نیز مایه تشویق به انجام دوباره گناه خواهد بود. درحالی که توبه یکی از باورهای اصیل اسلامی و مورد اتفاق مسلمانان است.

ب) وعده شفاعت در صورتی مستلزم ترمّد و عصیان‌گری است که شامل همه مجرمان با تمام صفات و ویژگی‌ها شود و نسبت به تمام انواع عقاب و تمام اوقات آن جاری باشد ... ولی اگر این امور مبهم و نامعین شد که وعده شفاعت در مورد چه گناهایی و کدام گناه‌کار و در چه وقتی از قیامت است، هیچ‌کس نمی‌داند که آیا مشمول شفاعت می‌شود یا خیر؟ و لذا موجب تشویق بر انجام معاصی نخواهد شد». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۵۲)

ج) با اندکی اندیشه در آیات قرآن و گفتار پیشوایان معصوم (علیهم السلام) روشن می‌شود که خداوند شرایط ویژه‌ای برای شفاعت قرار داده است. خداوند می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا؛ در آن روز (قیامت) شفاعت هیچ‌کس سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است». (طه، آیه ۱۰۱)

هم‌چنین فرموده است: «مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ؛ برای ستمکاران نه دوستی وجود دارد و نه شفاعت‌کننده‌ای که شفاعتش پذیرفته شود». (غافر، آیه ۱۸)

نتیجه‌گیری

شفاعت آن زمان که فرد بالا مقام و مقدس بتواند برای دوستدار و مرید خود واسطه شود تا او را هم جوار خود کند هم چون روز قیامت که ائمه معصومین (علیه السلام) و شهداء و صلحاء می توانند از خطای بعضی بندگان با اجازه خداوند بگذرند و شفیع او شوند تا خداوند آن ها را ببخشد؛ شفاعت از ضروری ترین مسائلی اعتقادی دین اسلام است که خود آداب و شرایطی دارد و این که در قرآن از شفاعت و شفیع یاد شده تاییدی بر این سخن است که فلسفه و حقیقت شفاعت مسئله ای حائز اهمیت است و شناخت و بصیرت نسبت به آن به این دلیل که شبهات وارد شده از سوی وهابیت را شناخته و بتوان به نحو احسن آن ها را خنثی کرد.

منابع و مآخذ

الف: کتب فارسی

- ۱-دهخدا،علی اکبر، لغتنامه، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه، بی چا، ۱۳۷۷.
- ۲-رضوانی، علی اصغر، شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، تهران، مشعر، بی چا، ۱۳۸۲.
- ۳-سبحانی، جعفر، سیمای عقاید شیعه، مترجم جواد محدثی، تهران، معشرف، بی چا، ۱۳۸۶.
- ۴------،-----، شیعه پاسخ می دهد، تهران، مشعر، بی چا، ۱۳۸۶.
- ۵------،-----، آیین وهابیت، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی چا، ۱۳۶۴.
- ۶------،-----، راهنمای حقیقت، تهران، معشر، بی چا، ۱۳۸۷.
- ۷-عسکری، مرتضی، عقاید اسلام در قرآن کریم، محمد جواد کرمی، ج ۲، بی چا، مجمع علمی اسلامی، بی چا، ۱۳۷۸.
- ۸-مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱، قم، نشر صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۷۶.
- ۹-مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی چا، ۱۳۸۶.

الف: کتب عربی

- ۱۰-راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، بی چا، ۱۴۱۲.
- ۱۱-صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، محمد علی حسنی، بیروت، دارالمفید، بی چا، ۱۴۱۴ق.
- ۱۲-طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی چا، ۱۳۷۴.